

تحلیل نظری آثار اقتصادی زکات و مقایسه آن با مالیه تورمی

دکتر اکبر کمیجانی *

دکتر محمد مهدی عسکری **

چکیده

این مقاله سعی دارد با تحلیل مقایسه‌ای آثار اقتصادی زکات و مالیه تورمی، نتایج وضع این دو نوع مالیات را بر رشد اقتصادی، تورم و رفاه اقتصادی تبیین نماید. روش بحث کاملاً نظری می‌باشد. پس از بیان نظریات موجود، مقاله می‌کوشد با تمسک به منابع اسلامی، نظریه منتخب خود را در مورد زکات ارائه دهد. نتایج حاصل از این تحقیق نشان می‌دهد که تعلق زکات به مال راکد و عدم تعلق آن به سپرده‌های پس انداز، می‌تواند موجبات سرمایه‌گذاری و رشد اقتصادی را فراهم آورد، درحالی‌که اثرات مالیه تورمی بر رشد، چندان قابل اعتنا نمی‌باشد. وجود رابطه مستقیم میان مالیه تورمی و نرخ تورم بر کسی پوشیده نیست، درحالی‌که زکات از یک سو، نوعی تثبیت‌کننده خودکار اقتصادی و از سوی دیگر موجب چرخش مال از صاحبان ثروت به فقرا و نوعی نظام تخصیص مجدد منابع است. آثار مثبت رفاهی در وضع زکات، در فضایی که تعالیم اسلامی برای زکات دهنده و زکات گیرنده ترسیم نموده، در مقایسه با آثار منفی رفاهی مالیه تورمی، نظیر اختلال در نظام پرداختها و کاهش موجودی پولی واقعی، بسیار متمایز است.

کلید واژه:

زکات، دریافت‌کنندگان زکات، پرداخت‌کنندگان زکات، عدالت اقتصادی آثار تخصیصی زکات، آثار رفاهی زکات، مالیه تورمی، مالیات تورمی، حق الضرب، رشد اقتصادی

* - دانشیار دانشکده اقتصاد دانشگاه تهران.

** - استادیار دانشکده معارف اسلامی و اقتصاد دانشگاه امام صادق (ع).

۱- مقدمه

یکی از مهمترین واجبات مالی اسلام، زکات است. با توجه به آیات قرآنی که در آنها امر به ادای زکات شده است و نیز روایات معصومین علیهم السلام، اهمیت آن روشن می‌شود. از امام صادق(ع) نقل شده که فرموده‌اند:

ما فرض الله علی هذه الامه شيئاً أشد عليهم من الزکات، و فيها تهلك عامتهم.^۱

جمع‌آوری و توزیع زکات در دوران حکومت حضرت رسول (ص) و امیرالمؤمنین(ع)، در نهایت دقت صورت می‌گرفته است و در زمان خلفا نیز تا حدودی این نظام مالی اجرا می‌شد. در دوره معاصر اجرای این فریضه الهی هر چند به طور ناقص، در بسیاری از کشورهای مسلمان مورد توجه قرار گرفته است. لکن متأسفانه در کشور ما توجه چندانی به آن نشده است.

یکی دیگر از ابزارهای مالی که امروزه دولتها، خصوصاً در کشورهای در حال توسعه از آن سود می‌برند، حق انحصاری دولت در چاپ پول است. اگر چه در نوشته‌های مربوط به اقتصاددانان سلف (نظیر آدام اسمیت) نیز، اشاراتی در خصوص این ابزار سیاستی به چشم می‌خورد، لکن عمده مباحث مربوط به مالیه تورمی از دهه ۱۹۵۰ میلادی شکل گرفته است.

تحقیق حاضر در پی آن است که تحلیلی مقایسه‌ای از آثار اقتصادی به کارگیری این دو ابزار مالی ارائه نماید. این مقاله به بررسی آثار زکات و مالیه تورمی بر رشد اقتصادی، تورم و رفاه اقتصادی می‌پردازد. در خصوص زکات، ضمن بیان آراء اقتصاددانان مسلمانان (که عمدتاً متکی بر فقه اهل سنت می‌باشد)، نظریه منتخب مقاله (که بر اساس فقه شیعه و با استناد به آیات و روایات می‌باشد) در قالب «ملاحظات» ارائه می‌شود.

۱- وسایل الشیعه؛ کتاب الزکاه، باب ۳ از ابواب آنچه در آن زکات واجب و مستحب است، حدیث

در تحلیل آثار زکات بر رشد اقتصادی، سه نظریه در میان اقتصاددانان مسلمان مطرح است:

۱- وضع زکات بر سرمایه و پول راکد، موجب تشویق سرمایه گذاری و در نتیجه رشد اقتصادی می شود: ظفر اقبال (۸۹) و صباح الدین زعیم (۸۹) بر این نظرند. البته روش خرج کردن منابع زکوی از دید این اقتصاددانان بسیار حائز اهمیت می باشد. بدین ترتیب که هدایت این منابع به مجاری سرمایه گذاریهای مولد، موجب کاهش فقر، افزایش تولید و رشد اقتصادی می شود.

۲- وضع زکات بر پس اندازها، نوعی مالیات است که موجب تغییر در تخصیص منابع می شود، به گونه ای که مصرف کنونی افزایش و مصرف آینده (پس انداز) کاهش می یابد و لذا، وضع زکات اثر معکوس بر روی رشد اقتصادی دارد. فریدی (۹۷) در تحلیل یکی از آثار زکات بر پس انداز و سرمایه گذاری، از طرفداران این نظریه است.

۳- وضع زکات اگر چه ممکن است، در کوتاه مدت موجب کاهش پس انداز و افزایش مصرف شود، لکن در بلند مدت: اولاً - زکات گیرندگان، در زمره زکات دهندگان و پس انداز کنندگان قرار می گیرند (فهیم خان ۹۷) و ثانیاً - در صورت اجرای سایر دستورات اقتصادی اسلام، نظیر میانه روی و پرهیز از اسراف، اثرات کوتاه مدت وضع زکات خنثی می شود (منور اقبال ۹۸).

تحقیقات اقتصاددانان (نظیر ماندل ۶۵) گویای آن است که اثرات مالیه تورمی بر رشد اقتصادی بسیار ناچیز است و از اهمیت تجربی چندانی برخوردار نیست. ملاحظه می شود که حتی در حالتهای مطلوب، به ازای یک درصد رشد اقتصادی، نیازمند تورمی بیش از ۵۰ درصد هستیم. لکن علی رغم این واقعیت، کشورهای در حال توسعه به دلیل عدم دسترسی به منابع مالی، جهت جبران کسریهای بودجه خود، غالباً از این سیاست در جهت رشد اقتصادی کمک می گیرند.

اقتصاددانان مسلمان دارای دو نظریه، در زمینه اثر زکات بر تورم می باشند:

۱- وضع زکات می تواند دارای اثرات تورمی باشد. سه مصرف زکات (فقر، مساکین و غارمین) متعلق به بخشهای فقیرتر جامعه است، ضمن آنکه، سایر مصارف نیز می توانند

فقیر باشند. فقرا دارای میل نهایی به مصرف بیشتری نسبت به اغنیا هستند و لذا برقراری زکات، موجب افزایش مصرف کل، تقاضای کل و در نتیجه قیمت‌ها می‌شود. اکرم خان، متوالی (۸۱) وزعیم (۸۹) از طرفداران این نظریه‌اند.

۲- زکات تورمی نیست، بلکه یک تثبیت‌کننده خودکار اقتصادی است. در حالت رونق اقتصادی، کنز کم است و لذا درآمدهای زکات هم کاهش می‌یابد و از طرفی زکات‌گیرندگانی که فاقد شغل هستند، هم تعدادشان کم است و لذا تقاضا برای صدقه هم کم می‌شود. پس در این حالت، اثر تورمی زکات نیز کاهش می‌یابد. در دوران رکود، اثر زکات بر روی سرمایه‌گذاری بزرگ است؛ چرا که میزان کنز و نیز تعداد محتاجان دریافت زکات، زیاد می‌باشد. ظفر اقبال (۸۹) از طرفداران این نظریه است.

اقتصاددانان بر این باورند که: رابطه مستقیم و معنی داری بین اجرای سیاست مالیه تورمی و نرخ تورم وجود دارد. تحقیقات بارو (۷۲)، فیشر (۸۲)، منکیو (۸۷)، کیمبرو (۹۲)، بلانچارد (۹۷) و دورنوش، فیشر و اسپارکس (۹۸) بیانگر نظریه مذکور است.

۲- رشد اقتصادی

اثرات زکات بر رشد اقتصادی

الف - نظریات اقتصاددانان مسلمان

ظفر اقبال (۱۹۸۹)، بر این باور است که کمک اساسی زکات به رشد، از طریق جریمه کردن کنز (گرفتن زکات از مال صامت) و تشویق سرمایه‌گذاری، توسط صاحبان ثروت می‌باشد. عواید زکات در جهت خودکفا کردن نیازمندان، در کوتاه‌ترین زمان ممکن است. قبل از آن، هدف این درآمدهای زکوی، فراهم آوردن نیازهای مصرفی اولیه برای آنهاست. این دو هدف، زمانی قابل دستیابی نیست که عواید حاصل از زکات در طرح‌هایی به کار رود که زمان زیادی می‌طلبد تا کالا و شغل تولید کند؛ مگر آنکه این طرح‌ها قبل از دریافت زکات تأمین مالی شود، یا اینکه دولت قبل از دریافت زکات قرض کند و سپس از عواید زکات بپردازد. آنگونه که عملکرد خلیفه دوم این‌گونه بوده که شترانی را برای حکومت به‌طور نسبه خرید و سپس پول آنها را از درآمد زکات پرداخت. این کار نه تنها

بحث استفاده از عواید زکات در تأمین مالی طرحها را به نفع فقرا جواب می‌دهد، بلکه دلالت بر این دارد که دولتهای اسلامی می‌توانند برای تأمین مالی کسری بودجه از این ابزار استفاده کنند، به طوری که از بحران خارج شوند.

منور اقبال تأمین مالی کسری، از طریق چاپ اسکناس را مغایر با قوانین اسلامی می‌داند؛ چراکه در عمل نوعی کاهش ارزش پول است که براساس شواهد تاریخی و فقهی ارائه شده توسط صفی‌الدین (۸۲) درخصوص کاهش وزن و کیفیت سکه، اسلام با آن مخالفت می‌کند.

فریدی (۱۹۹۷)، دارای این دیدگاه است که وضع زکات دارای دو اثر متقابل بر پس‌انداز و سرمایه‌گذاری شخصی است. زکات سالانه، بر پس‌انداز خالص (یا ثروت خالص) بالاتر از حدنصاب، موجب تقویت میل به مصرف می‌شود. فرد پس‌انداز کننده ممکن است خرسندی بیشتری از مخارج بیشتر کسب کند، تا اینکه بخواهد از زکات سالانه که پس‌انداز خالص وی را تهدید می‌کند، پرهیز نماید. ولی وضع زکات ممکن است، یک عکس‌العمل کاملاً متفاوت در وی به وجود آورد. فرد پس‌انداز کننده، به منظور حفاظت از ثروت خود در مقابل نابودی تدریجی ممکن است، ثروت بیکار خود را به منابع مالی یا حقیقی تبدیل کند، نیز تمایل وی به سرمایه‌گذاری تقویت می‌شود. هر دو این تمایلات در تحلیل نهایی، منجر به افزایش تقاضا برای کالاها و خدمات تولید شده در جامعه می‌شود و تقاضای افزایش یافته برای کالاهای مصرفی و سرمایه‌ای، به تولید بیشتر کمک می‌کند. اگر از زاویه دیگری به این فرایند نظر افکنیم، قدرت زکات برای نابودی ثروت و وضع آن بر فلزات قیمتی کنز شده، موجب افزایش تقاضای پس‌اندازها در مقایسه با عرضه آن می‌شود.

صبح‌الدین زعیم (۸۹) نیز بیانگر این مطلب است که ماهیت تأدیبی زکات نسبت به کنز، دارای اثری سالم و مثبت بر روی تمایل مردم به کار سخت‌تر و تلاش برای حفاظت از پس‌انداز خالص آنها می‌شود. بدین ترتیب، بیکاری تقبیح شده و بهره‌وری بالا می‌رود. البته مهمترین زمینه مورد بحث، روش خرج کردن ذخایر زکوی است. اگر ذخایر ناشی از دریافت زکات به سمت کانالهای سرمایه‌گذاری جریان یابد، اثر منفی آن را روی پس‌انداز

کاهش می‌دهد و بر تولید ناخالص ملی می‌افزاید. از طرف دیگر، هزینه کردن این ذخایر در سرمایه‌گذاری، اثر تراکمی روی کاهش فقر خواهد داشت. به طور خلاصه، زعیم بر این اعتقاد است که نظام زکات، کنز را تقبیح و سرمایه‌گذاری را تشویق می‌کند، و تقاضا برای سرمایه‌گذاری در نرخ مورد انتظار معینی از سود را در یک اقتصاد اسلامی، در مقایسه با سایر اقتصادها بالاتر خواهد بود. از آنجا که سرمایه‌گذاری یکی از عوامل تعیین‌کننده رشد است، لذا یک اقتصاد اسلامی با اجرای نظام زکوی، دارای جهت‌گیری بیشتری به سمت رشد خواهد شد.

بسیاری از نظریه‌های جدید اقتصادی، به این نتیجه می‌رسند که پس‌انداز برای رشد اقتصادی، اساسی است. هر قدر مردم بیشتر پس‌انداز کنند، رشد سریع‌تر خواهد بود. با این زمینه قبلی، اقتصاددانان امروزی نتیجه می‌گیرند که سطح پس‌انداز در یک اقتصاد اسلامی، در صورتی که مردم زکات پس‌اندازهای خود را پرداخت نمایند، پایین‌تر خواهد بود. این اقتصاددانان به هنگام ارائه این بحث، زکات را نوعی مالیات بر پس‌اندازها در نظر می‌گیرند که تخصیص منابع را از پس‌اندازها (مصرف آینده) به مصرف کنونی سرازیر می‌کند. همچنین اگر ما قسمتی از پس‌اندازهای اغنیا را دریافت کنیم و به فقرا بدهیم، که همه را مصرف خواهند کرد، کل پس‌انداز با فرض ثبات سایر عوامل، به طور طبیعی کاهش خواهد یافت. پس نتیجه این می‌شود که اسلامی کردن یک اقتصاد، از طریق زکات و کاهش پس‌انداز، اثر معکوسی روی رشد خواهد داشت.

در مقابل دیدگاه فوق، برخی از اقتصاددانان مسلمان با ارائه کارهای نظری به نتایجی رسیده‌اند که در بخش ذیل به آنها اشاره می‌شود.

ظفر اقبال (۸۹)، ضمن رد ادعای اقتصاددانانی که قائل به اثر معکوس زکات بر روی سرمایه‌گذاری و در نتیجه رشد اقتصادی هستند، بدین دلیل که با انتقال درآمد از ثروتمندان به فقرا میل نهایی به مصرف افزایش می‌یابد، اینگونه اظهار نظر می‌کند:

«اینها به نظر می‌رسد، فراموش نموده‌اند که مجموع دارایی منتقل شده، از درآمد انباشته شده (کنز) و نه از درآمد پس‌انداز شده یا سرمایه‌گذاری شده به دست آمده است

و به خاطر این است که زکات اساساً انبساطی و همانگونه که حضرت رسول(ص) فرموده‌اند نماء است.»

محمد فهیم خان (۹۷) ابتدا اساسی بودن پس انداز برای رشد اقتصادی را زیر سؤال می‌برد و بر این نظر است که تنها کسانی بدین مسأله عقیده دارند که معتقدند انباشت سرمایه موتور رشد است. اما برخی اقتصاددانان خصوصاً اقتصاددانان مسلمان، نظیر خورشید احمد (۸۱) چنین اعتقادی ندارند. وی سپس با فرض صحت دیدگاه مشهور، مبنی بر اساسی بودن پس انداز در رشد اقتصادی، سؤال زیر را مطرح می‌کند: «آیا این واقعاً صحت دارد که سطح پس انداز در یک اقتصاد اسلامی پایین‌تر از سطح مشابه آن در اقتصادی است که قوانین اسلامی در آن پیاده نمی‌شود؟» نتایج تحقیق فهیم خان گویای منفی بودن پاسخ سؤال مذکور است. با لحاظ اثر پویای زکات در یک اقتصاد اسلامی، در الگویی که وی ارائه می‌دهد، نشان داده می‌شود که حتی اگر در اثر وضع زکات، در کوتاه مدت پس انداز کاهش یابد، در بلند مدت مسیرهای رشد و پس انداز، بالاتر از زمانی خواهند بود که اقتصاد اسلامی نباشد. این نتیجه از اینجا نشأت می‌گیرد که اثر توزیع درآمدی زکات، موجب آن می‌گردد که فقرا در نهایت در گروه پس انداز کنندگان قرار گیرند؛ وقتی که وضعیت اقتصادی آنها بهبود پیدا می‌کند.

البته با استفاده از الگوی شبیه سازی، می‌توان نشان داد که اگر ما زکات را از طریق قانون گذاری تحمیل کنیم، بدون آنکه ارزشهای اسلامی (خصوصاً ارزشهای اقتصادی) لحاظ شوند، اثری معکوس روی پس اندازها خواهد داشت. سرعت دستیابی به اثر مطلوب زکات بر روی رشد و توزیع درآمد در بلند مدت، در مقایسه با وضعیتی که مردم، ارزشهای اقتصادی اسلامی را درک می‌کنند و به کار می‌برند، خیلی آهسته خواهد بود. اولویت‌ها در اسلامی کردن اقتصاد، باید بر روی پیاده کردن ارزشهای اسلامی در جامعه، از طریق آموزش عمومی صورت گیرد. اگر دولت بخواهد نظام زکات را توسط قانون گذاری وضع و پیاده کند، بایستی برنامه‌های آموزشی و اخلاقی را برای کاهش اسراف در مصرف اجرا کند. به طور خلاصه نقطه شروع برای هر دولت وضع ۲/۵ درصد زکات به همراه

اجرای سیاستهایی برای کاهش اسراف در مصرف، دربخش خصوصی و در بخش دولتی خواهد بود.

احمد فؤاد درویش و محمد صدیق زین (۹۷) اثر زکات را بر مصرف کل، تجزیه و تحلیل می‌کنند و نتیجه می‌گیرند که وضع زکات، ضرورتاً موجب افزایش مصرف کل شده و به افزایش میل نهایی و متوسط به مصرف منتهی نمی‌شود. آنها فرض می‌کنند که یک اقتصاد اسلامی، شامل دو گروه واحدهای اقتصادی باشد: دریافت کننده زکات و پرداخت کننده آن و تنها قسمتی از عواید زکات که از پرداخت کنندگان جمع آوری شده، به سمت فقرا جریان می‌یابد. بنابراین، اثر زکات بر مصرف کل (و در نتیجه بر پس انداز، سرمایه گذاری و رشد اقتصادی) بستگی به دو فرض دارد:

۱- آیا میل نهایی به مصرف فقرا بالاتر از میل نهایی به مصرف اغنیاست؟

۲- آیا تمامی عواید زکات واقعاً در طبقه فقرا جامع توزیع شده است؟

و از آنجا که اظهار نظر در خصوص دو نکته مذکور، نیازمند اطلاعات تجربی در خصوص این دو متغیر در هر اقتصاد معینی می‌باشد؛ لذا اثر جمع آوری و توزیع زکات نمی‌تواند از لحاظ نظری، از قبل تعیین و تبیین شود.

منور اقبال (۹۸) نیز با ارائه الگویی به بحث در خصوص اثر زکات بر روی مصرف کل و میل نهایی به مصرف (و یا قرینه آن میل نهایی به پس انداز) می‌پردازد. وی علاوه بر زکات، اثرات انفاق و نیز میانه روی (اعتدال) را بر روی مصرف در نظر می‌گیرد. نتایج کار وی نشان می‌دهد، درحالی که اثر زکات و انفاق بر روی مصرف، با ثابت بودن سایر عوامل، انبساطی می‌باشد، ولی اثر میانه روی انقباضی است و لذا اثر خالص این دو، از قبل تعیین شده نیست. این اثر، بستگی به مقادیر تجربی تعدادی از پارامترها دارد. آنچه مهم است، این نکته می‌باشد که اثر خالص اینها بر روی میل نهایی به مصرف، خیلی کوچک است. بر خلاف دیدگاههای قبلی، وی نتیجه می‌گیرد که اثر خالص دستورات اسلامی بر روی میل نهایی به مصرف، خنثی خواهد بود. به عبارت دیگر، میل نهایی به مصرف در جامعه‌ای که در آن، دستورات اقتصادی اسلامی، نظیر زکات، انفا و میانه روی اجرا می‌شود، به طور معنی داری متفاوت از سطح مشابه آن در اقتصادهای غیر اسلامی نیست.

این نتیجه به خاطر آن است که آثار انبساطی و انقباضی دستورات اسلامی، اثر یکدیگر را خنثی می‌کند.

ب- ملاحظات

۱- درخصوص این بحث که «وضع زکات موجب کاهش پس انداز و در نتیجه کاهش سرمایه‌گذاری و رونق اقتصادی می‌شود»، لازم است ابتدا ببینیم که آیا زکات بر پولهای رایج امروزی تعلق می‌گیرد یا خیر؟ البته این بحث مفصلی است که نگارنده در اینجا درصدد پرداختن به آن نمی‌باشد، لکن به طور اجمال باید گفت که: بررسی آراء فقهای شیعه و اهل سنت مبین آن است که درخصوص تعلق زکات به نقود، دونظریه وجود دارد:

۱- تنها طلا و نقره مسکوک از مصادیق نقدین هستند و لذا می‌توانند جزء متعلقات زکات هم باشند. این امر نظریه جمهور فقهای شیعه است. دلایل آنها روایات حصر مواد زکوی در اقلام نه گانه^۱ و برخی دیگر از روایات^۲ می‌باشد.

۲- پولهای رایج امروزی نیز از مصادیق نقدین هستند و لذا می‌توانند جزء متعلقات زکات هم باشند. این نظریه جمهور فقهای اهل سنت و نیز برخی از فقهای معاصر شیعه است. دلایل آنها عمومات و اطلاقات قرآن (نظیر آیه تشریح زکات)، حکمت تشریح زکات، الغاء خصوصیت برای طلا و نقره، اسناد دین که قابلیت تبدیل به نقره را دارند، ثمن قرار گرفتن برای معاملات و انجام وظایف نقدین می‌باشد. و اما نظریه مقاله آن است که:

اولاً- با توجه به نظریه تعمیم متعلقات زکات و عموم آیه تشریح زکات (خذ من اموالهم صدقه)^۳ در کنار عبارتهایی نظیر (عفا رسول الله عما سوی ذلک)، در احادیث حصر و

1- وسایل الشیعه، کتاب الزکاه، باب ۳ از ابواب آنچه در آن زکات واجب و مستحب است، احادیث ۱۰ الی ۱۳.

۲- فروع الکافی، ج ۳، باب زکات طلا و نقره، احادیث ۱ و ۹.

۳- توبه، ۱۰۳.

عمل امیرالمؤمنین (ع) در خصوص وضع زکات بر گله اسب^۱ بیانگر این مطلب است که زکات در کلیه اموال واجب است، مگر آنکه دلایلی نظیر عفو حضرت رسول (ص) و یا کارشکنی در کار حکام جور از سوی ائمه و یا عدم وجود حکومت برای ائمه پس از امیرالمؤمنین (ع)، متعلقات زکات را محدود کند.

ثانیاً - در نظریه تعمیم متعلقات زکات، با ارائه دلایل متقن از روایات،^۲ ثابت می شود که اموال تجاری در صورتی که یک سال به صورت راکد و بیکار باقی بمانند، متعلق زکات واقع می شوند.

ثالثاً - نقدین (طلا و نقره منقوش) در تعلق زکات، ملحق به مال التجاره می شوند. یعنی فرد چه طلا و نقره منقوش و چه کالاهای تجاری را یک سال در نزد خود نگهدارد، طبق نص صریح روایات،^۳ بایستی زکات آن را بدهد و کلمه «مال» بر هر دو اطلاق می شود. رابعاً - در خصوص پولهای امروزی، از آنجا که احکام بارشده بر نقدین در صدر اسلام بر آنها هم بار می شود (مثل اینکه به عنوان ثمن معاملات قرار می گیرند، سار آنها مشمول قانون دیات و مهریه ازدواج قرار می گیرند)، پس می توانند از مصادیق «مال» باشند و لذا از این حیث ملحق به نقدین می شوند و یا به عنوان مصادیقی از مال، طبق برخی احادیث و نیز آیه «خذ من اموالهم صدقه» مشمول زکات قرار می گیرند.

در خصوص تعلق زکات به پس اندازهای بانکی باید بیان کرد که: اولاً - فرد سپرده گذار در حکم قرض دهنده (مقرض) و بانک در حکم قرض گیرنده (مقترض) است (چرا که بانک ضامن پول می باشد، ادای عین مال بر عهده بانک نیست و در نهایت بانک، مالک سپرده است و حق تصرف در آن را دارد). ثانیاً - با توجه به بند پیش و نیز برخی روایات،^۴ تنها در سپرده های دیداری، آن قسمت از سپرده که در نزد بانک باقی می ماند و در جریان

۴- وسائل الشیعه، کتاب الزکاه، باب ۱۶ از ابواب آنچه در آن زکات واجب و مستحب است، ج ۱ و ۳.

۲- همان مأخذ؛ باب عدم وجوب زکات در مال التجاره، احادیث ۱، ۳ و ۵.

۳- همان مأخذ؛ باب ۱۴ از ابواب آنچه در آن زکات واجب است، احادیث ۱ و ۳ و ۵.

۴- همان مأخذ؛ باب ۷ از ابواب کسانی که زکات بر آنها واجب است، ج ۱ و نیز تهذیب الاحکام؛ کتب الزکات، باب زکات، مال الغائب والدين و القرض، ج ۷.

سرمایه گذاری قرار نمی‌گیرد و نیز اموالی که در صندوق امانات بانک قرار دارند، با گذشت سال مشمول زکات قرار می‌گیرند و زکات آنها با سپرده‌گذار است؛ چرا که اولاً مال صامت (کنز) هستند و ثانیاً سپرده‌گذار هر زمان که اراده کند بر اخذ مال قدرت دارد. در نتیجه، تنها آن دسته از سپرده‌هایی که در جریان سرمایه‌گذاری قرار نمی‌گیرند، مشمول زکات می‌شوند و لذا کلیت این بحث که وضع زکات موجب کاهش پس‌انداز و در نتیجه کاهش سرمایه‌گذاری است، رد می‌شود.

۲- بحث ظفر اقبال (۸۹) در خصوص اینکه زکات بر مال صامت و کنز تعلق می‌گیرد، با توجه به روایات شیعه و مطالب مطرح شده در بند پیش، مورد تأیید است. در نتیجه، تعلق زکات بر سرمایه و مال بیکار، خود موجب تشویق به کارگیری منابع اقتصادی، سرمایه‌گذاری، اشتغال و رشد اقتصادی می‌شود.

۳- نظریه زین و درویش (۹۷) نیز تأیید می‌شود؛ زیرا که ثابت می‌شود که امر زکات با امام‌المسلمین است^۱ و اینکه، تسویه بین اصناف هشت گانه ضرورتی ندارد و انتخاب اصناف و میزان سهم هر یک توسط امام، بر اساس مصلحت‌اندیشی وی انجام می‌شود.^۲

۴- مطالب بیان شده توسط فهیم خان (۹۷) و منور اقبال (۹۸) در خصوص ضرورت اجرای توأمان احکام اقتصادی اسلام (زکات، میانه روی و پرهیز از اسراف)، در جامعه اسلامی درست است؛ چرا که در خصوص چگونگی دریافت زکات می‌بینیم که در تعالیم ائمه (علیهم السلام) و رفتار عملی آنان، دقت در اخذ زکات به همراه دقت در مصرف آن لحاظ شده است.^۳

۵- بحث فهیم خان (۹۷) در این مورد که زکات گیرندگان امروزی، زکات دهندگان آینده هستند، کاملاً صحیح است؛ زیرا با دقت در دستورات حضرت رسول (ص) به این نتیجه می‌رسیم که اسلام از طریق وضع زکات در پی گدا پروری نیست، بلکه می‌خواهد

1- مستدرک الوسائل، باب ۲۰ از ابواب مستحقین زکات، ج ۲.

2- وسائل الشیعه، کتاب الزکات، باب ۲۸ از ابواب مستحقین زکات، ج ۱.

3- همان مأخذ، باب ۱۴ از ابواب زکات انعام، ج ۷.

حداکثر رفاه مجاز و ممکن را به همراه پیشبرد اهداف جامعه اسلامی از ابعاد اقتصادی، فرهنگی و نظامی توسط این فریضه الهی میسر سازد. شواهد: اولاً - تخصیص سهمی از آن به حج و جهاد و سایر اصنافی که از نظر اقتصادی دچار مشکل هستند^۱. ثانیاً - نص ائمه (علیهم السلام) مبنی بر اینکه منزل و خدمتکار مانع از گرفتن زکات نیست و فرد با گرفتن زکات به مردم زکات دهنده ملحق می‌شود.^۲

۶- برای نظریه ظفر اقبال (۸۹) مبنی بر هزینه کردن عوائد زکات قبل از وصول آن، اساسی در روایات یافت نشده است و شاهدی برای جواز اجرای آن در کلام ائمه به دست نیامده است و اصولاً با معین بودن مصارف زکات در هر زمان سازگار نیست.

۷- این نکته که در کلام برخی از اقتصاددانان نظیر فریدی (۹۷) آمده که افراد واجدین حدنصاب برای پرهیز از ادای زکات به مصرف بیشتر به جای پس انداز روی می‌آورند، نه از جنبه اقتصادی و نه از جنبه معنوی صحت دارد و از نظر اقتصادی درست نیست؛ چرا که سود ناشی از تجارت، چندین برابر پرداخت ناشی از زکات است و از نظر معنوی هم هیچ مسلمانی شاید نباشد که پرداخت زکات را به عنوان اتلاف مال تلقی کند؛ زیرا که اعتقاد وی آن است که ادای زکات، موجب افزایش مال و تزکیه آن و نیز روح خود می‌شود.

اثر مالیه تورمی بر رشد اقتصادی

اقتصاددانان پذیرفته‌اند که دولتها می‌توانند، مقداری از منابع را از طریق تأمین مالی کسری، از بخش خصوصی بگیرند و در نتیجه سرمایه بیشتری برای دولت به وجود می‌آید. بحث بر له مالیه تورمی به عنوان ابزار اقتصادی، از لحاظ نظری هرگز اعتبارش تصدیق نشده، ولی علی‌رغم این، موقعیت و جایگاه مهمی را در اندیشه سیاستگذاران در برخی کشورهای در حال توسعه، به خوداختصاص داده است.

1- همان مأخذ، باب یک از ابواب مستحقین زکات، ج ۷.

2- همان مأخذ، باب ۹ از ابواب مستحقین زکات، ج ۳.

بر اساس تحقیق به عمل آمده توسط ماندل (۶۵)، تز تورم - رشد حتی در شرایط مناسب از اهمیت تجربی چندانی برخوردار نیست. ماندل اثرات مالیه تورمی بر رشد را با استفاده از یک الگوی ساده مطرح می کند، با استفاده از رابطه مبادله داریم:

$$MV = PY \quad (۱)$$

که در آن: M عرضه پول، V سرعت گردش پول، P سطح قیمتها و Y محصول هستند. با دیفرانسیل گیری نسبت به زمان داریم:

$$\frac{1}{V} \cdot \frac{dv}{dt} = \pi + \lambda - \rho \quad (۲)$$

که در آن: $\pi = \frac{1}{P} \cdot \frac{dP}{dt}$ نرخ تورم، $\lambda \frac{1}{y} \cdot \frac{dy}{dt}$ نرخ رشد و نرخ بسط پولی $\rho = \frac{1}{M} \cdot \frac{dM}{dt}$ است. با استفاده از رابطه بین محصول و سرمایه به دست می آوریم.

$$y = \phi k \quad (۳)$$

که در آن: ϕ بهره وری سرمایه و K انباشت سرمایه است، بنابراین خواهیم داشت:

$$\frac{dy}{dt} = \phi \frac{dk}{dt} \quad (۴)$$

اگر فرض کنیم که بانک مرکزی تمامی سرمایه گذاری دولتی را تأمین مالی می کند و نیز فرض کنیم که سایر سرمایه گذاریها نادیده گرفته می شود، آنگاه ارزش سرمایه گذاری دولت به صورت زیر است:

$$\frac{G}{p} = \frac{1}{p} \cdot \frac{dR}{dt} = \frac{dk}{dt} \quad (۵)$$

که در آن: R ذخایر بانک^۱ و G سرمایه گذاری دولتی است. رابطه بین ذخایر بانکی و عرضه پول به صورت زیر است:

$$R = r M \quad (۶)$$

که در آن r نرخ ذخیره است؛ اگر نقدینگی در دست مردم نادیده گرفته شود. نتیجه دیفرانسیل گیری معادله (۶) اگر در (۵) جایگزین شود، خواهیم داشت:

1-Bank Reserves.

$$\frac{dR}{dt} = r \frac{dM}{dt} \quad (7)$$

$$\frac{dk}{dt} = r \frac{1}{p} \frac{dM}{dt} \quad (8)$$

با جایگزینی معادله (۸) در معادله (۴) داریم:

$$\frac{dy}{dt} = r\Phi \frac{1}{p} \frac{dM}{dt} \quad (9)$$

$$\frac{dy}{dt} = r\Phi \frac{1}{py} \frac{dM}{dt} = r\phi \left(\frac{1}{M} \frac{dM}{dt} \right) \frac{M}{py} \quad (10)$$

و سپس می‌توانیم نرخ رشد و نرخ بسط پولی را به دست آوریم:

$$\lambda = r \frac{\phi}{v} \rho \quad (11)$$

اگر در یک دوره زمانی سرعت گردش پول ثابت باشد، رابطه (۲) به صورت زیر در می‌آید:

$$\pi = \rho - \lambda \quad (12)$$

با جایگزینی (۱۲) در (۱۱) داریم:

$$\pi = \left(1 - r \frac{\phi}{v}\right) \rho \quad (13)$$

$$\pi = \left(\frac{v}{r\phi} - 1\right) \lambda \quad (14)$$

معادلات (۱۳) و (۱۴) نرخ تورم را به نرخ بسط پولی و نرخ رشد ایجاد شده در اثر تأمین مالی کسری مربوط می‌سازد.

تحلیل اقتصادی نتایج به دست آمده توسط ماندل (۶۵) را با لحاظ $\frac{1}{v}$ به عنوان نسبت مطلوب پول به درآمد و لحاظ یک دوره زمانی که در طول آن دولت τ واحد از ذخایر بانک مرکزی را روی کالاهای سرمایه‌ای خرج می‌کند، می‌توان تبیین کرد. در قیمت‌های ثابت، مطلب فوق گویای تشکیل τ واحد سرمایه و لذا افزایش $\tau\phi$ واحد در محصول است. ولی افزایش در محصول به ازای یک واحد، موجب افزایش تقاضای پول به اندازه

می‌گردد. در ضمن، افزایش در ذخایر بانک مرکزی به اندازه r واحد، موجب افزایش عرضه پول به اندازه یک واحد می‌شود. بنابراین، در قیمت‌های ثابت، تقاضا برای پول $\frac{r\phi}{v}$ افزایش می‌یابد، در حالی که عرضه پول یک واحد اضافه می‌شود. این به معنای مازاد تقاضا یا عرضه پول است، مشروط بر اینکه $\frac{r\phi}{v}$ بزرگ‌تر یا کوچک‌تر از یک باشد. به عبارت دیگر، تأمین مالی کسری، تورمی یا ضد تورمی است. با توجه به اینکه:

$$v \begin{matrix} > \\ < \end{matrix} r\phi \quad (15)$$

به عنوان یک موضوع عملی، تأمین مالی کسری همواره، تورمی است. سرعت گردش پول، حاصل ضرب یک در r و ϕ است که هر دو کسرهایی از یک می‌باشند. در حقیقت، نسبت $\frac{r\phi}{v}$ چیزی جز نسبت ذخایر بانک به انباشت سرمایه نیست که همواره کوچکتر از یک است.

اگر سرعت گردش پول را تابعی صعودی از تورم در نظر بگیریم، با این توجیه که نرخ تورم، خود قسمتی از هزینه نگهداری ذخایر پولی واقعی است و لذا هر قدر نرخ تورم بالاتر باشد، مقدار مانده‌های پولی واقعی که جامعه تمایل به نگهداری آن دارد، کمتر می‌شود. پس داریم:

$$v = v(\pi), v(\pi) > 0 \quad (16)$$

اگر به طور تصادفی فرض کنیم که رابطه بین سرعت گردش پول و تورم، خطی است، (۱۶) به صورت زیر در می‌آید:

$$v = v_0 + \eta\pi \quad (17)$$

که در آن V^0 سرعت گردش پول در نرخ تورم صفر است. با ترکیب این معادله با (۱۴)

داریم:

$$\pi = \frac{v_0 - r\phi}{r\phi - \eta\lambda} \lambda \quad (18)$$

از معادله (۱۸) ظاهر می‌شود که π یک تابع خطی از λ نیست و با افزایش $\frac{\pi}{\lambda}$ بالا می‌رود. این بدان معنی است که هر قدر نرخ رشد تأمین مالی شده توسط خلق پول، بیشتر باشد، افزایش‌های نهایی نرخ تورم بیشتر است. اگر $\pi \Rightarrow \infty$ آنگاه داریم:

$$\lambda^+ = \frac{r\phi}{\eta} \quad (19)$$

که این حد بالای رشد تأمین مالی شده توسط تورم است. تحقیقات به عمل آمده نشان می‌دهد که سرعتهای گردش درآمد در نرخهای پایین یا صفر تورم، بین ۳ و ۵، نسبت سرمایه به محصول بین ۲ و ۵ و نرخهای ذخیره بانکهها معمولاً بین $\frac{1}{10}$ و $\frac{3}{10}$ است. اگر حد پایین و حدود بالای r و ϕ را در نظر بگیریم (برای مطلوب بودن تورم - رشد با استفاده از معادله ۱۸)؛ یعنی $V_0 = 3$ ، $r = 12$ و $\phi = \frac{3}{10}$ خواهیم داشت:

$$\pi = \frac{57}{3-20\eta\lambda} \cdot \lambda \quad (20)$$

در حالت خاص $\pi = 0$ (بدین معنی که سرعت گردش پول متأثر از نرخ تورم نباشد) داریم:

$$\pi = 19 \lambda \quad (21)$$

که نشان می‌دهد نرخ تورم، ۱۹ برابر نرخ رشد تأمین مالی شده توسط خلق پول است. برای افزایش نرخ رشد به میزان یک درصد در سال، بایستی ۱۹ درصد نرخ تورم را افزایش دهیم؛ با این فرض که سرعت گردش پول ثابت باشد.

البته سرعت گردش پول در عالم واقع، در اثر تورم، افزایش می‌یابد. با فرض حد پایین $\eta = 10$ داریم:

$$\pi = \frac{57\lambda}{3-200\lambda} \quad (22)$$

با استفاده از معادله (۲۲)، حد بالای رشد عبارت از $15\% = \frac{3}{200}$ یا $1/5$ درصد است که به‌ازای تورم بی‌نهایت، به دست آمده است.

این محاسبات نشان می‌دهد که نرخهای رشد متناظر با مالیه تورمی، چندان قابل اعتنا نیستند. با انتخاب هدفمند پارامترها، نرخ تورم بالای ۵۰ درصد برای افزایش یک درصد رشد لازم است.

به عنوان نمونه‌ای عملی از تأثیر مالیه تورمی در رشد اقتصادی، می‌توان به اقتصاد چین اشاره کرد. کیم (۱۹۹۸) در تحقیقی ادعا کرده است که حق الضرب، نقش مهمی در تأمین مخارج مالی چین بازی می‌کند. دولت چین از این رو، تا حدودی بر حق الضرب، به عنوان یک منبع درآمدی تکیه کرده است که توانایش در جمع آوری درآمد مالیاتی معمول، هماهنگ با تغییرات موجود در ساختار اقتصاد نبوده است. تمرکز زدایی و اصلاحات، سهم بزرگ و فزاینده‌ای از اقتصاد را دور از دسترس دولت قرار داده است و توانایی دولت برای وضع مالیات به شکل مؤثر را حتی بر آن قسمتی که در تملک دولت می‌باشد، از بین برده است (بانک جهانی، ۹۴).

در نتیجه، کل درآمد دولت مرکزی به عنوان سهمی از GDP در خلال اصلاحات اقتصادی به طور مستمر کاهش یافته است و در دوره زمانی ۹۴-۸۷ دارای میانگین ۱۷/۱ درصد GDP بوده است. مخارج، شامل وامهای داده شده توسط دولت، طبق سیاست معینی (اختیاری) توسط بانکهای دولتی چین در همان دوره، حدود ۲۸/۸ درصد GDP بوده است که باعث بروز شکاف مالی با میانگین ۱۱/۷ درصدی از GDP شده است. اگر چه در چین، چاپ برخی اوراق بهادار برای تأمین مخارج مالی صورت گرفته است (خصوصاً در سالهای ۹۷ و ۹۸)، به طور متوسط، ۲۶ درصد شکاف مالی توسط درآمد حاصل از حق الضرب تأمین شده است. به عبارت دیگر، کل درآمد حاصل از حق الضرب در دوره ۹۴-۸۷ به طور متوسط ۱۸/۷ درصد کل درآمد کسب شده توسط دولت مرکزی چین بوده است. با این وصف سهم آن در کل درآمد، در حال افزایش بوده به طوری که در دوره ۹۴-۹۲ با تورم بالا، به طور متوسط به یک سوم رسیده است.

۳- تورم

اثر زکات بر تورم

الف- نظریات اقتصاددانان مسلمان

برخی از اقتصاددانان مسلمان، نظیر اکرم خان و متوالی^۱ (۸۱) اینگونه بحث می‌کنند که زکات ممکن است، دارای برخی اثرات تورمی باشد. بر طبق این دیدگاه، از میان هشت مصرف زکات، حداقل سه مصرف آن (فقرا، مساکین و غارمین) متعلق به بخشهای فقیرتر جامعه هستند. حتی بقیه پنج صنف نیز می‌توانند فقیر باشند. به هر حال زکات، نوعی انتقال ثروت از اغنیا به فقرا می‌باشد. فقرا دارای تمایل بالاتری به مصرف، نسبت به اغنیا دارند. بنابراین، برقراری زکات، نوعی منبع بالقوه افزایش تقاضای کل در جامعه است که می‌تواند تورمی باشد.

همچنین، بحث می‌شود که مزایای ناشی از برقراری نظام زکوی، به لحاظ ماهیتی تورمی هستند و در خلال دوره زمانی افزایش قیمتها، توزیع نامناسب این مزایا، نه تنها قیمتها را بالا می‌برد؛ بلکه برمزایای بخشهای فقیرتر جامعه که مستحق دریافت این منابع هستند، لطمه می‌زند. به منظور حفظ این مزایا، طرحی که ارائه می‌شود، فراهم آوردن نوعی مازاد بودجه زکات^۲ است. بر اساس نظر این اقتصاددانان، بین جمع‌آوری و توزیع زکات فواصل زمانی می‌تواند وجود داشته باشد. هزینه کردن زکات در دفاع (فی سبیل الله)، ارتباطات (ابن سبیل) و مؤلفه قلوبهم، ممکن است کاهش یابد، در حالی که سهم فقرا، مساکین و غارمین دست نخورده بماند. مازاد بودجه زکات ممکن است دارای اثر کاهنده بر روی تقاضای کل در یک اقتصاد باشد و در نتیجه، موجب کاهش سطح قیمتها شود. البته برخی از مالکی‌ها و حنفی‌ها فاصله زمانی بین جمع‌آوری و خرج کردن زکات را قبول ندارند. بر اساس نظر این فقها، فاصله زمانی چند روزه قابل قبول است.

اقتصاددانان مسلمانی که از طرح مازاد بودجه زکات حمایت می‌کنند، طرح استفاده از گواهینامه زکات^۳ را مطرح می‌کنند. ذخایری که از طریق زکات منتقل می‌شود، ممکن

1- Mutwally.

2- Surplus zakan Budget.

3- Zakan Certificate.

است در صنایعی سرمایه‌گذاری شود تا اشتغال برای مردم فقیر را فراهم آورد. منافع این صنایع را می‌توان به شکل سود سهام سالانه در میان فقرا، مساکین و غارمین توزیع کرد. در دوره‌های زمانی اولیه، چنین سیاستی تورمی خواهد بود، زمانی که فواصل زمانی بین سرمایه‌گذاری و تولید وجود دارد و تقاضای کل از عرضه کل بیشتر است. ولی متعاقباً سود سهام این صنایع به عنوان یک ابزار مالی استفاده می‌شود.

در این طرح، در خلال دوره‌های زمانی افزایش قیمت‌ها، سود سهام به صورت نقد بین افراد توزیع نمی‌شود، به جای آن، گواهینامه‌های زکات در یک ارزش مساوی (معادل) چاپ می‌شود که پس از یک دوره زمانی سه تا شش ماهه توسط دارنده آن و بنا به تمایل وی، قابل نقد شدن می‌باشد. بدین ترتیب، تقاضا برای یک دوره زمانی کوتاه مدت کاهش خواهد یافت.

این اقتصاددانان مسلمان، به منظور کنترل کردن اثر تورمی زکات، استفاده از نظام نرخ منفعت زکات^۱ را نیز پیشنهاد می‌کنند. بر اساس این طرح، قرآن هشت صنف را برای مصارف زکات بیان کرده است. ولی نرخ دقیق سهم هر یک از این اصناف، از زکات تعیین نشده است. این در صلاح دید دولت است که سهم هر یک از این مصارف را تعیین کند. این کار موجب فراهم شدن آزادی عملیاتی بزرگی برای دولت می‌شود. بنابراین، در یک اقتصاد اسلامی، آثار این مصارف بر روی تقاضای کل، بایستی به طور دقیق و به صورت تطبیقی مطالعه و بر اساس این یافته‌ها، نوعی ترکیب مصرف زکات مناسب فراهم شود.

صبح الدین زعیم (۸۹) در سایه این طرح اخیر، بر این باور است که مصرف فقرا و مساکین تورمی تراز؛ مانند مصرف مؤلفه قلوبهم یا غارمین است. مؤلفه قلوبهم، ممکن است دارای تمایل به مصرف کمتری نسبت به فقرا و مساکین باشند. همین‌طور صرف زکات در خصوص غارمین، معمولاً به سمت وام دهندگان سرازیر می‌شود که معمولاً انتظار می‌رود، دارای موقعیت اقتصادی بهتری باشند و لذا، تمایل به مصرف کمتری نسبت به فقرا و مساکین دارند. ولی تمامی اینها را بایستی در قالب کارهای تجربی آزمون کرد. وقتی این

1- Zahah Benefit Ratio.

شاخصها در دسترس باشند؛ ترکیب مناسبی برای مصارف زکات برای کنترل تورم، می‌تواند پیشنهاد شود.

زعیم معتقد است، بر اساس دیدگاه فقهای مسلمان، اجرای طرح مذکور ممکن است. اگر چه شافعی ترجیح می‌دهد که سهم مساوی از زکات بین مصارف آن توزیع شود، ولی بر اساس قول اکثر فقها، دولت می‌تواند سهم هر گروه را با توجه به شرایط زمان تعیین کند. برخی فقها معتقدند که ذخایر مازاد زکات می‌تواند، برای تأسیس کارخانه‌ها و شرکتها، احیاء اراضی، طرحهای ساختمانی و سایر طرحهایی که حداقل قسمتی از آنها توسط فقرا قابل تملک باشد و برای آنها جریان درآمدی معتدلی فراهم سازد، به کار رود.

ظفر اقبال (۸۹) نیز با اشاره به نظریه برخی اقتصاددانان مسلمان مبنی بر تورمی بودن زکات از طریق تزریق مجدد کنزها به چرخه جریان درآمدی، خود چنین نظری ندارد. بر اساس دیدگاه وی، در یک وضعیت رونق اقتصادی، انباشت و کنز کم است که به طور معکوس بر دریافتهای زکات اثر می‌گذارد. دریافت کنندگان زکات که فاقد شغل باشند، تعدادشان کمتر است، به طوری که کاهش درآمدهای زکات با کاهش تقاضا برای صدقه هماهنگ است. این مسأله، فرایند تورمی زکات را کاهش می‌دهد؛ اما در دوران رکود، اثری که زکات بر روی سرمایه گذاری دارد، بزرگ است؛ چرا که اقتصاد دارای اندوخته زیاد و نیز محتاجان بیشتری برای دریافت کمک می‌باشد. بنابراین، زکات اساساً یک تثبیت کننده خودکار در یک اقتصاد است.

ب- ملاحظات

۱- عملکرد امیر المؤمنین (ع) در دوران حکومت، به عنوان یک الگوی عملی برای حکومت اسلامی، گویای این مطلب است که ایجاد فاصله بین دریافت و پرداخت زکات مجاز نیست^۱.

۲- ضمن تأیید بحث ظفر اقبال (۸۹)، اساساً زکات تورمی نیست؛ چرا که انتقال درآمد و چرخش مال از اغنیا به فقرا و سایر مصارف است و چاپ پول اضافی نیست که تورم را باشد.

1- تهذیب الاحکام؛ کتاب الزکات؛ ص ۲۷۴.

۳- در خصوص این بحث که: «از درآمد زکات کارخانه بخیریم و سود سهام آن را بین مستحقان توزیع کنیم»، اولاً - کارخانه ساختن و نظایر آن از مصادیق فی سبیل الله است و کمک به فقیر و مسکین نیست. ثانیاً - هدف اسلام فقط کسب درآمد نیست، بلکه در پرداخت زکات، فوایدی برای زکات دهنده وجود دارد که از جمله ادای شکر نعم الهی است.^۱ ثالثاً - مباحث مطرح شده در بند یک (تعجیل در توزیع) با نظریه مذکور سازگار نیست.

۴- در خصوص بحث زعیم (۸۹) باید گفت که تقسیم زکات با امام است و لذا با مصلحت ایشان در صورت وجود مستحق، زکات توزیع می‌شود و ملاکهای دیگر نمی‌تواند این مسأله را تحت الشعاع قرار دهد.^۲

اثر مالیه تورمی بر نرخ تورم

می‌دانیم که رابطه مستقیم بین میزان نرخ تورم و درآمد حاصل از مالیات تورمی وجود دارد. طبق بیان تانزی (۷۸) رابطه فوق به صورت، نشان داده شده است. البته بر اساس الگوی کیگان (۵۶) اگر نرخ تورم از میزان معینی بالاتر برود، درآمد ناشی از مالیات تورمی کاهش می‌یابد. همین طور تحقیقات منکیو (۸۷) نشان می‌دهد که یک درصد افزایش در دریافت‌های دولت ناشی از مالیه تورمی به عنوان کسری از GDP متناظر، با ۱/۸ درصد افزایش در نرخ تورم می‌باشد.

برای تبیین ارتباط دو مفهوم مذکور، فیشر (۱۹۸۲) نشان داد که چهارده کشور صنعتی با نرخ تورم کمتر از یک درصد، در طول دوره ۷۸-۱۹۶۰ تنها توانسته‌اند به طور متوسط یک درصد GNP را از طریق مالیات تورمی به دست آورند، در حالی که نقش مالیات تورمی در کشورهای دارای نرخهای تورمی بالا، نقش بسیار مهمتری داشته است.

دورنبوش، فیشر و اسپارکس (۱۹۹۸) با استفاده از اطلاعات مربوط به کشورهای آمریکای لاتین در ۸۸-۱۹۸۳ نشان دادند که مثلاً در کشوری مانند آرژانتین درآمد ناشی از

۱- همان مأخذ؛ باب ۱۵ از ابواب مستحقین زکات؛ ج ۳.

۲- همان مأخذ؛ باب ۱۵ از ابواب مستحقین زکات؛ ج ۳.

مالیات تورمی، به طور متوسط سالانه حدود ۴ درصد GDP بوده است که با میانگین نرخ تورم سالانه ۳۵۹ درصد همراه بوده است. همین طور کیمبرو (۱۹۹۲) در تحقیق خود بیان کرده است که در جریان تورم حاد کشورهای اروپایی در دهه ۲۰، درآمد حاصل از مالیات تورمی قسمت عمده درآمد دولت و حدود ۱۰ درصد GNP را تشکیل داده است. تحقیقات بارو (۷۲) نیز نشان داد که نرخ تورم حداکثر کننده درآمد ناشی از مالیه تورمی، حدود ۱۴۰ درصد در ماه با درآمدی معادل ۱۵ درصد درآمد ملی است.

بلانچارد (۹۷) اشاره بر این نکته دارد که افزایش در رشد پولی، در نهایت منجر به افزایش نسبی در تورم انتظاری و واقعی می گردد. در کوتاه مدت، افزایش در نرخ پولی (DM/M) به تغییر کوچکی در موجودی پولی حقیقی (M/P) منجر می شود. به عبارت دیگر، اگر دولتی بخواهد رشد پولی را به اندازه کافی افزایش دهد، قادر خواهد بود تقریباً هر مقدار حق الضربی را که می خواهد در کوتاه مدت به دست آورد. ولی در طول زمان، وقتی قیمت‌ها تعدیل می شوند و موجودی پولی حقیقی کاهش می یابد، دولت در می یابد که همان نرخ رشد پولی، حق الضرب کمتر و کمتری تولید خواهد کرد.

بنابراین، اگر دولت سعی داشته باشد تا کسری بودجه بیشتری را تأمین کند، در بلندمدت، با نرخ ثابتی از رشد پولی، موفق بدین کار نخواهد شد. تنها راه موفقیت آن، افزایش مستمر نرخ رشد پولی و به تبع آن افزایش نرخ تورم خواهد بود. اینگونه است که از خصوصیات تورمهای حاد، همواره افزایش رشد پولی است.

۴- رفاه اقتصادی

اثر زکات بر رفاه اقتصادی

الف - نظریات اقتصاددانان مسلمان

زعیم (۸۹) بر این باور است که زکات توزیع مجدد درآمد را تضمین می کند. بر اساس دیدگاه وی، اسلام در پی دستیابی به نوعی توزیع توأم با مساوات منابع، بین نسلهای فعلی و آینده است. اسلام همچنین بر این تأکید دارد که حقوق فقرا را به گونه ای تأمین کند که هویت و شخصیت آنها به خوبی حفظ شود. واضح است که وظیفه از بین بردن فقر به

دولت محول شده است. زکات، برای این منظور استفاده می‌شود و طراحی نظام آن، وظیفه رفاهی مخارج عمومی را تقویت می‌کند.

بر اساس دیدگاه برخی اقتصاددانان مسلمان نظیر احمد سقر^۱، دولت اسلامی می‌تواند بر روی مجموعه‌ای از طرح‌های مولد در صنعت و کشاورزی که موجب فراهم شدن اشتغال دائمی برای فقرا و نیز جریان درآمدی مستمر گردد، متمرکز شود. از این طریق، مثلاً منان^۲ (۸۳) معتقد است که ذخایر زکات ممکن است به آن قسمت از مخارج عمومی تخصیص یابد که می‌تواند شرایط کاری و کارآیی دریافت کنندگان واجد شرایط را بهبود بخشد. تجهیزات ساختمانی، خدمات بهداشتی، برنامه‌های آموزشی، نهادهای آموزشی و تعدادی از خدمات مشابه، برای این هدف پی‌ریزی می‌شود. بدین ترتیب، وظیفه رفاهی مخارج عمومی تشویق می‌شود. مطالعه اجمالی اقتصادهای فقیر امروزی، نرخ پایین چنین مخارجی را نسبت به تولید ناخالص ملی در بسیاری از آنها نشان می‌دهد.

منان (۸۹) با اشاره به این نکته که زکات، ثروت را به سوی جریانات مصرفی به نفع فقرا و نیازمندان توزیع مجدد می‌نماید، بر این اعتقاد است که پس انداز پیش بینی شده نیز در اثر زکات تخصیص مجدد داده می‌شود. زکات با جلوگیری از تمایل به ذخیره کردن منابع نقد بیکار، نوعی انگیزه قوی برای سرمایه‌گذاری این منابع فراهم می‌سازد. این انگیزه از این واقعیت سرچشمه می‌گیرد که اسلام مشارکت در سود و زیان را در عقود خود لحاظ کرده است. بنابراین، با افزایش دادن تقاضای کل و تشویق سرمایه‌گذاری، زکات، تخصیص منابع را به سمت نوعی ساختار اقتصادی توأم با مساوات سوق می‌دهد. از آنجا که مصرف و تولید، دارای رابطه متقابل می‌باشند، زکات با تشویق تولید کالاها و خدمات مصرفی برای فقرا، تمایل به خلق خطوط جدید تجارت و هدایت کردن این خطوط از تولید کالاها و لوکس به تولید کالاها مورد نیاز عمومی مردم دارد. اثرات ناشی از نیروهای پویای تولیدی و مصرفی، مرز امکانات تولید را به سمت راست هدایت خواهد کرد.

1- Saqr.

2- M.A.Mannan.

درآمد زکات، برای افزودن بهره وری فقرا می‌تواند خرج شود. سرمایه گذاری مولد ذخایر زکات، برای تأمین مالی طرحهای توسعه‌ای متنوع در آموزش و پرورش، مراقبتهای بهداشتی، آب سالم و دیگر فعالیتهای مربوط به رفاه اجتماعی، منافع فقرا را تأمین می‌کند. در اثر بالا رفتن بهره‌وری فقرا، درآمد آنها نیز متعاقباً بالا خواهد رفت.

ب- ملاحظات

- ۱- دقت در برخی احادیث،^۱ گویای آن است که مستحقان دریافت زکات می‌توانند از رفاه اقتصادی مطابق شأن خود برخوردار شوند.
- ۲- براساس نص صریح روایات، پرداخت زکات موجب افزایش اموال و عدم پرداخت آن موجب خسران و ضایع شدن اموال می‌گردد و این امر، از شاهکارهای این نظام اقتصادی است.^۲
- ۳- مباحث مطرح شده توسط منان (۸۹ و ۸۳) اولاً - تنها در فی سبیل الله لحاظ می‌شود و ثانیاً- از تعالیم ائمه (علیهم السلام) که در آنها تعجیل در توزیع زکات تصریح شده است، این مطلب به دست نمی‌آید.^۳
- ۴- بحث تغییر ساختار اقتصادی جامعه به سوی مساوات و نیز تولید کالاهای مورد نیاز عموم، از ثمرات زکات می‌تواند باشد.
- ۵- بحث زعیم (۸۹) در خصوص حفظ هویت و شخصیت فقرا و سایر مستحقان زکات در نظام توزیع درآمد زکات، مورد تأیید است.
- ۶- دریافت زکات از کسانی صورت می‌گیرد که تمکن مالی خوبی دارند (بر خلاف مالیه تورمی) و حد نصاب را دارا می‌باشند و لذا تحمیل بار زکات بر جامعه، هزینه رفاهی را بر اقتصاد تحمیل نمی‌کند.

1- وسائل الشیعه؛ باب ۱۸ از ابواب مستحقین زکات؛ ج ۴ و نیز باب ۹، ج ۳.

2- همان مأخذ؛ باب وجوب زکات؛ ج ۶.

3- همان مأخذ؛ باب وجوب زکات؛ ج ۶.

اثر مالیه تورمی بر رفاه اقتصادی

روی آوردن دولتها به مالیه تورمی، شاید به خاطر ویژگی بی دردسر این روش تأمین مالی، در جهت تغییر خط سیر منابع به سمت بخش دولتی است. یکی از زمینه‌هایی که از دهه ۱۹۵۰ میلادی تاکنون مورد بحث اقتصاددانان قرار گرفته، هزینه رفاهی ناشی از مالیه تورمی می‌باشد؛ چرا که این طریق کسب درآمد، در عمل نوعی مالیات بر نگهداری موجودیهای نقدی تلقی می‌شود. این هزینه تا حدود زیادی با هزینه رفاهی (بار اضافی) ناشی از وضع مالیات بر فروش، بر روی کالاها یا عوامل تولید، همسان است.

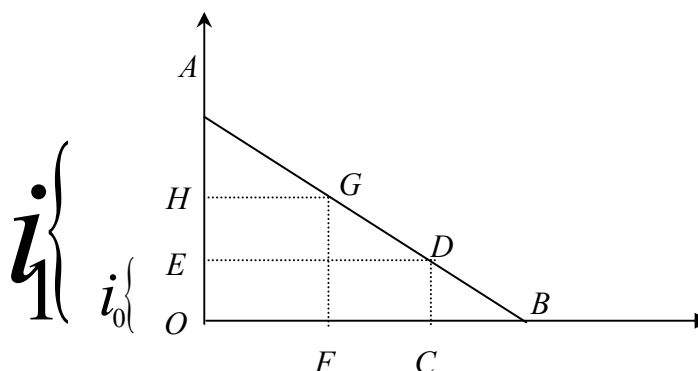
بیلی (۵۶) با استفاده از کار کیگان (۵۶) برای تمییز هزینه‌های رفاهی مالیه تورمی از سایر آثار اختلال زای آن، الگوی ساده‌ای را با استفاده از بیان توصیفی هندسی و ریاضی ارائه کرد. تحلیل وی نشان داد که در اثر اجرای سیاست مالیه تورمی و افزایش تورم ناشی از آن، موجودی پولی واقعی کاهش و در نتیجه آن میزان بهره وری حاصل از مقدار موجودی واقعی، کاهش می‌یابد. در اثر اجرای سیاست مذکور، تغییراتی در نظام پرداختی صورت می‌گیرد که روی آوردن به نظام تهاتری را نیز در بر دارد که هزینه‌های حسابداری اضافی، اتلاف وقت، از دست دادن سرمایه کاری و فقدان اعتماد به بازار از تبعات آن است.

بارو (۷۲) نیز در تجزیه و تحلیل آثار رفاهی مالیه تورمی، با بیان الگویی به این نتیجه می‌رسد که هزینه‌های نهایی جمع آوری مالیه تورمی به ازای تمامی نرخهای مثبت تورم، بیش از ۵۰ درصد خواهد بود. تورم ایجاد شده در اثر اجرای این سیاست، به هزینه‌های معاملاتی بیشتری منجر می‌شود؛ چرا که استفاده از پول کاهش یافته است و در نتیجه، نوعی هزینه اجتماعی خالص متناظر با مالیه تورمی وجود خواهد داشت. وی استفاده از ابزارهای جانشین را برای کسب درآمد، از نظر اجتماعی توصیه می‌کند.

فندر^۱ (۹۰) نیز متداول‌ترین نوع هزینه ناشی از مالیه تورمی را، اثر آن روی رفاه از طریق کم کردن میزان نگهداری مانده‌های واقعی پول، توسط عوامل اقتصادی می‌داند. با مراجعه به نمودار (۱) فرض کنیم اقتصاد در ابتدا دارای نرخ تورم i_0 باشد و نرخ بهره اسمی

1- J.Fender.

آنگاه به یک نرخ تورم کاملاً پیش بینی شده i با نرخ بهره متناظر منتقل شود. در حالت نرخ تورم پایین تر، کل مازاد مصرف کننده ناشی از نگهداری پول، OCDA خواهد بود. در نرخ تورم بالاتر، این میزان کاهش می یابد و OFGA می شود که دلالت بر از دست دادن مازاد مصرف کننده به میزان CDGF می کند.



نمودار (۱)

با فرض تابعی خطی برای تقاضای پول به صورت $M^d = a - bi$ ، تغییر در مازاد مصرف کننده به صورت زیر محاسبه می شود:

$$CS = [(a - bi_0) - (a - bi_1)] \frac{i_0 + i_1}{2} \left(\frac{b}{2} \right) (i_1^2 - i_0^2) \quad (1)$$

محاسباتی از این قبیل توسط هیلارد و منیفورد (۷۸) برای انگلستان و توسط فیشر (۸۲) برای آمریکا انجام شده است. هیلارد و منیفورد تخمین می زنند که با نرخ بهره سه درصدی، هزینه رفاهی تورم ده درصدی، 0.78 GDP خواهد بود. این هزینه به 0.28 درصد GDP خواهد رسید؛ وقتی که تورم 30 درصد باشد. فیشر نیز تخمین می زنند که هزینه تورم ده درصدی برای آمریکا، حدود 3 درصد GDP خواهد بود.

۵- نتیجه گیری

در این مقاله، اثرات زکات و مالیه تورمی بر برخی متغیرهای اقتصادی، نظیر رشد اقتصادی، تورم و رفاه اقتصادی مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت.

در خصوص اثرات زکات بر رشد اقتصادی می توان به سه نظریه اشاره داشت:

(۱)- وضع زکات بر سرمایه و پول راکد موجب تشویق سرمایه گذاری و رشد اقتصادی می شود که ظفر اقبال (۸۹) و صباح الدین زعیم (۸۹) بر این نظریه اند. (۲) - وضع زکات بر پس اندازها، موجب کاهش سرمایه گذاری و کاهش رشد می گردد که فریدی (۹۷) طرفدار این نظریه است. (۳)- وضع زکات در کوتاه مدت، موجب کاهش پس انداز می گردد، ولی در بلندمدت، زکات گیرندگان خود پس اندازکننده و زکات دهنده می شوند که فهیم خان (۹۷) بر این عقیده است. نظریه منتخب مقاله با ارائه دلایلی از روایات، مجموع بین نظریات (۱) و (۳) می باشد. بدین صورت که وضع زکات از یک طرف، موجب تشویق سرمایه گذاری و فعالیت اقتصادی و از طرف دیگر، موجب تخصیص مجدد ثروت به نحو مطلوب و نیز موجب رشد اقتصادی می گردد؛ زیرا با استناد به روایات شیعه ملاحظه کردیم که اولاً - زکات بر مال (اعم از کالای تجاری یا پول) بیکار تعلق می گیرد؛ ثانیاً - زکات بر سپرده های پس انداز که یکی از منابع مهم سرمایه گذاری می باشد، تعلق نمی گیرد؛ چرا که در این موارد، زکاتی بر سپرده گذار که در حکم دائن است، واجب نمی شود؛ ثالثاً - نظام زکات نوعی نظام تخصیص مجدد منابع است که گرفتن زکات از بخش خصوصی فعال (زکات دهنده) و انتقال آن به بخش خصوصی غیرفعال (زکات گیرنده)، نه تنها گروه دوم را به تدریج فعال می کند، بلکه با فعال شدن این گروه، بر رونق کار گروه اول هم در اثر افزایش تقاضا، افزوده می شود و لذا، از این طریق، رشد اقتصادی تشویق می شود. در واقع، اثرات ناچیز مالیه تورمی بر رشد اقتصاد، همواره مورد تأکید اقتصاددانان بوده است.

در تحلیل اثر زکات بر تورم، دو نظریه در بین اقتصاددانان مسلمان به چشم می خورد:

(۱)- وضع زکات می تواند دارای اثرات تورمی باشد: اکرم خان، متوالی (۸۱) و زعیم (۸۹) از طرفداران این نظریه اند. (۲)- زکات تورمی نیست، بلکه نوعی تثبیت کننده خود کار

اقتصادی است که ظفر اقبال (۸۹) بر این عقیده است؛ اما مالیه تورمی دارای رابطه مستقیم و معنی دار با نرخ تورم است. بررسیهای بارو (۷۲)، منکیو (۸۷)، کیمبرو (۹۲) و بلانچارد (۹۷) بیانگر این نظریه است. در نظریه منتخب، ضمن تأیید بحث ظفر اقبال (۸۹)، تورمی بودن زکات رد می‌شود؛ چرا که انتقال درآمد و چرخش مال از اغنیا به فقرا و سایر مصارف می‌باشد و چاپ پول اضافی نیست که تورم‌زا باشد، ضمن آنکه براساس روایات، هدف آن است که زکات گیرندگان امروزی به تدریج در سلک زکات دهندگان در آیند که در چنین محیطی، اساس نظریه اول زیر سؤال می‌رود.

دقت در احادیث وارده از اهل بیت، بیانگر آن است که مستحقین دریافت زکات می‌توانند از رفاه اقتصادی مطابق شأن خود برخوردار شوند. تغییر ساختار اقتصادی به سوی مساوات و نیز تولید کالاهای ضروری برای عموم نیز، از نتایج اجرای نظام زکات است. وجود حد نصاب در پرداخت زکات، موجب آن می‌شود که وضع زکات، هزینه رفاهی بر اقتصاد تحمیل نکند و تنها از افرادی که تمکن مالی خوبی دارند، زکات دریافت شود. در حالی که کاهش موجودی پولی واقعی، اختلال در نظام پرداختها، افزایش هزینه‌های مبادله و کاهش مازاد مصرف کننده، از اثرات رفاهی منفی اجرای مالیه تورمی می‌باشند.

فهرست منابع

- ۱- الطوسی، ابوجعفر محمد بن حسن بن علی بن حسن؛ تهذیب الاحکام فی شرح المقنعه؛ طهران: مکتبه الصدور.
- ۲- حر عاملی، محمد بن حسن؛ وسائل الشیعه الی تحصیل مسائل الشریعه؛ طهران: مکتبه الاسلامیه.
- ۳- درویش، احمد فؤاد و محمود صدیق زین؛ اثر الزکاة علی داله الاستهلاك فی الاقتصاد اسلامی فی اقتصادیات الزکاة؛ تحریر منذرقحف، البنک الاسلامی للتمنیه، المعهد الاسلامی للبحوث و التدريب.
- ۴- زرقا، محمد انس؛ دور الزکاة فی اقتصاد الاسلامی و السیاسه المالیه فی اقتصادیات الزکاة؛ تحریر منذرقحف، البنک الاسلامی للتمنیه، المعهد الاسلامی للبحوث و التدريب.
- ۵- کلینی رازی، محمد بن یعقوب بن اسحق؛ الفروع من الکافی؛ ج ۳، طهران: دارالکتب الاسلامی.
- 6- Baily, M. J. (1956); **The Welfare Cost of Inflationary Finance**; JPE, Vol. 114, No.3, PP.93-110.
- 7- Barro, R.J. (1972); **Inflationary Finance and the Welfare Cost of Inflation**; JPE, PP.978-1001.
- 8- Blanchard, O. (1997); **Macroeconomics**; Prentice-Hall, pp. 432-43.
- 9- Cagan, P. (1956); **The Monetary Dynamics of Hyperinflation**; In Studies in the Quantity Theory of Money ed: Milton Friedman, Chicago: Univ. Chicago Press.
- 10- Dornbusch, R., S. Fischer, & R. Sparks (1998); **Macroeconomics**; 7th ed McGraw Hill, PP. 461-69.
- 11- Faridi, F. T. (1997); **Zakah and Fiscal Policy, in Economics of Zakah**; ed.by Monzer Kahf, IRTI, IDB.
- 12- Fender (1990); **Inflation: A Contemporary Perspective**; Harvester.
- 13- Fischer, S. (1982); **Seigniorage & The Case for a National Money**; JPE, Vol,90, No. 21, 295-313.

- 14- Iqbal, Munawar(1998); **Zakah, Moderation and Aggregate consumption in an Islamic Economy, in Lessons in Islamic Economics**; ed. by Monzer Kahf, IRTI, IDB.
- 15- Khan, M. Fahim (1997); **Macro Consumption Function in an Islamic Framework, in Economics of Zakah** ; ed. By Monzer Kahf, IRTI, IDB.
- 16- Kimbrough, K. P. (1986); **The Optimum Quantity of Money Rule in the Theory of Public Finance**; JME, 18, 277-84.
- 17- Kime, K. M. (1998); **Seigniorage, Domestic Debt, and Financial Reform in China**; Contemporary Economic Policy, Vol. 16, 12-21
- 18- Mankiw, N. G., Julio, J. Rotemberg, & L. H. Summers (1987); **The Optimal collection of Seigniorage**; JME, 20, 327-41, North-Holland.
- 19- Mannan, M. A. (1989); **Effects of Zakah Assessment and Collection on the Redistribution of Income in Contemporary Muslim Countries, in Management of Zakah in Modern Muslim Society**; ed. IRTI, IDB.
- 20- Metwally, M. M. (1981); **Macroeconomic Models of Islamic Doctrines**; London, J.K. Publishers.
- 21- Mundel, R. A. (1965); **Growth, Stability, & Inflationary Finance**; JPE, Vol.123, No. 2, 97-110.
- 22- Tanzi, V. (1978); **Inflation, Real Tax Revenue, and the Case for Inflationary Finance: Theory with an application to Argentina**; IMF Staff Papers, Vol. 25, 417-51.
- 23- Zaim , Sabahaddin (1989); **Recent Interpretation of the Economic Aspects of Zakah, in Management of Zakah in Modern Muslim Society**; ed. by I. A. Imtiaz, M. A. Mannan ,M. A. Niaz, and A .H. Deria, IRTI, IDB.